

Review Article

A Historical Study of the Position of pharmacists and Structure of Hospital Pharmacies in Islamic Civilization (Half of the Second Century to the Middle of the Eighth Century AH)

Reza Dashti¹

1. Assistant Professor of History of Islamic Civilization, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
Email: Dashti.r2012@yahoo.com

Received: 16 May 2020 Accepted: 31 Jul 2020

Abstract

Background and Aim: Pharmacy and pharmacists located in it with various functions of manufacturing and providing medicine as one of the important parts of the hospital during the Islamic civilization has played an important role and position. The words al-Adawiya treasure, al-Sharab treasure, pharmacy, Sidna and Sididani are used in Islamic period texts for the name of the pharmacy. The purpose of this article is to answer the question of what is the position of pharmacists and the structure of hospital pharmacies in Islamic civilization.

Materials and Methods: This research is based on a descriptive-analytical methodology and the information was collected in a library, followed by a search for historical sources in order to categorize and analyze data for the article.

Findings: Pharmacies of the Islamic period were one of the most important parts of the hospital and pharmacists, along with physicians, played an important role in providing medicine to patients. The history of pharmacies is closely related to the social, economic, cultural and therapeutic history of its time and is an integral part of Islamic culture and civilization.

Conclusion: Hospital pharmacies in the Islamic period had a hierarchy, including the head, the Khazen, some pharmacist assistants and a number of vendors who worked under the supervision of Mohtar or senior sididani and played an important role in improving patients.

Keywords: Pharmacy; Pharmacology; Hospital; Islamic Civilization

Please cite this article as: Dashti R. A Historical Study of the Position of pharmacists and Structure of Hospital Pharmacies in Islamic Civilization (Half of the Second Century to the Middle of the Eighth Century AH). *Med Hist J* 2020; 12(43): 87-97.

بررسی تاریخی جایگاه داروسازان و ساختار داروخانه‌های بیمارستانی در تمدن اسلامی (نیمه قرن دوم تا نیمه قرن هشتم قمری)

رضا دشتی^۱

۱. استادیار گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. Email: Dashti.r2012@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: داروخانه و داروسازان مستقر در آن با کارکردهای مختلف ساخت و ارائه دارو به عنوان یکی از بخش‌های مهم بیمارستانی دوره تمدن اسلامی دارای نقش و جایگاه مهمی بوده است. واژه‌های خزانه الادویه، خزانه الشراب، داروخانه، صیدنه، صیدنانی در متون دوره اسلامی، برای نام داروخانه به کار رفته‌اند. هدف این مقاله پاسخ به این سؤال است که جایگاه داروسازان و ساختار داروخانه‌های بیمارستانی در تمدن اسلامی چگونه بوده است؟

مواد و روش‌ها: روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است که پس از فیش‌برداری منابع و مآخذ تاریخی به دسته‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله اقدام شده است.

یافته‌ها: داروخانه‌ها در دوره اسلامی یکی از بخش‌های مهم بیمارستانی بودند و داروسازان در کنار پزشکان نقش مهمی در تهیه و ارائه دارو به بیماران ایفا می‌نمودند. تاریخ داروخانه‌ها ارتباط نزدیکی با تاریخ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و درمانی عصر خود داشته و بخش جداناپذیری از فرهنگ و تمدن اسلامی به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری: داروخانه‌های بیمارستانی در دوره اسلامی دارای سلسله مراتبی بودند، از جمله رییس، خازن، عده‌ای دستیار داروساز و تعدادی فروشنده یا نسخه‌پیچ دارو بودند که زیر نظر مهتار و یا صیدلانی ارشد فعالیت می‌کرده‌اند و نقش مهمی در بهبود بیماران داشته‌اند.

واژگان کلیدی: داروخانه؛ داروسازی؛ بیمارستان؛ تمدن اسلامی

مقدمه

طب اسلامی و ملحقات آن یعنی داروشناسی و داروسازی برگرفته از میراث پزشکی تمدن‌های باستانی بوده، ولی ارتباط نزدیکی نیز با آموزه‌های بهداشتی دین اسلام درباره سلامت داشته است.

قدیمی‌ترین سند شناخته‌شده‌ای که تاکنون درباره شیوه تهیه شماری از داروها به دست آمده، لوح‌های گلی سومری و آکدی متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد در بین‌النهرین است (۱). در طول تاریخ و با گذشت زمان برخی از افراد به صورت تجربی و نه مبتنی بر دانش پزشکی مبادرت به تهیه و فروش دارو به عنوان یک شغل نمودند. موضوع شیوه‌های ساخت و ارائه دارو در داروخانه‌ها و محل فروش دارو، از جمله مباحث قابل توجه در تاریخ پزشکی و اجتماعی به ویژه در دوره تمدن اسلامی (نیمه قرن دوم تا نیمه قرن هشتم قمری) است که کمتر مورد پژوهش جدی قرار گرفته است، بیشتر پژوهش‌ها در حوزه تاریخ پزشکی مربوط به بیمارستان‌های دوره اسلامی به صورت عمومی است و کمتر به داروخانه‌های بیمارستانی به عنوان بخش مهمی از بیمارستان‌ها توجه شده و هرگاه از مبحث دارو سخن به میان آمده بیشتر عطاری‌ها و مکان‌های فروش دارو مد نظر بوده است.

در خصوص بیان مسأله تحقیق باید گفت که در دوره اسلامی و با گسترش شهرها و آغاز نهضت ترجمه و آشنایی پزشکان مسلمان با متون پزشکی و دارویی یونانی، ایرانی و هندی، داروفروشی نیز کم‌کم رونق یافت و افرادی به این حرفه مشغول شدند و علاوه بر پزشکان، عطاران و فروشندگان دوره گرد نیز به فروش و حتی در مواردی به تجویز دارو اقدام نمودند. غیر از پزشکان، اشتغال سایر فروشندگان دارو مبتنی بر تجربه و نه بر اساس دانش رسمی و کلاسیک پزشکی بوده است از طرفی با تأسیس نخستین بیمارستان‌های اسلامی و نیاز روزافزون به انواع شربت‌ها، معجون‌ها و سایر داروها، آموزش تهیه و ارائه انواع ادویه مرکب و شناخت مفردات طبی، داروخانه‌ها اهمیت دوچندانی یافتند (۲). نبود ساز و کار قانونمند برای ساخت و فروش دارو و عدم نظارت بر عملکرد داروخانه‌ها می‌توانسته سیستم بهداشت و درمان جامعه را با

نقصان و خلل جدی رو به رو کند و زحمات و تلاش‌های پزشکان را بلااثر نماید. بنابراین باید دریافت که جایگاه داروسازان و داروخانه در دوره اسلامی چگونه بوده و آیا در داروخانه‌های بزرگ و مهم دوره اسلامی، ساختاری همانند ساختارهای بیمارستانی وجود داشته است؟ در این پژوهش سعی شده است تا از لابلای متون و منابع تاریخی به نقش و جایگاه داروسازان و ساختار داروخانه‌های بیمارستانی به عنوان یک بخش مهم از سیستم درمانی در تمدن اسلامی پی ببریم، چراکه ساختار ناکارآمد داروخانه‌های بیمارستانی و تشکیلات مغشوش آن می‌توانسته است باعث تداخل در امور پزشکی و یا مغفول ماندن پاره‌ای از نیازهای حیاتی مسلمانان در سیستم بهداشت و درمان شود.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که تاکنون در تعداد زیادی از کتاب‌هایی که درباره تاریخ بیمارستان‌ها و تاریخ پزشکی در اسلام و ایران به نگارش درآمده است، به داروخانه‌های بیمارستانی نیز اشاره شده است که از جمله کتاب تاریخ بیمارستان‌های ایران اثر سعید نفیسی (۱۳۲۹ ش)، تاریخ طب در ایران اثر محمود نجم‌آبادی (۱۳۶۶ ش)، تاریخ بیمارستان‌های ایران حسن تاج‌بخش (۱۳۷۹ ش)، تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام تألیف احمد عیسی بیک مصری (۱۳۹۳ ش)، بیمارستان‌های اسلامی قرون وسطی: پزشکی، مذهبی و خیریه، احمد رغب^۱ (۱۳۹۴ ش. / ۲۰۱۵ م.) و کتاب تاریخ درمان پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران، نوشته دکتر علی‌اکبر ولایتی (۱۳۹۶ ش). ... را می‌توان نام برد. این کتاب‌ها به صورت عمومی به سیر تطور تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام و ایران پرداخته‌اند و تنها در مواردی به صورت مختصر و گذرا به داروسازان و داروخانه‌های بیمارستانی اشاره نموده‌اند، هرچند که این آثار علمی به صورت عمومی به سیر تطور تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام و ایران پرداخته‌اند، ولی هیچ کدام به صورت خاص و تخصصی به نقش و جایگاه داروسازان و ساختار داروخانه‌های بیمارستانی به عنوان یک بخش مهم از بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی نپرداخته‌اند.

مهم بیمارستانی بودند و داروسازان در کنار پزشکان نقش مهمی در تهیه و ارائه دارو به بیماران ایفا می نمودند. تاریخ داروخانه‌ها ارتباط نزدیکی با تاریخ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و درمانی عصر خود داشته و بخش جداناپذیری از فرهنگ و تمدن اسلامی به حساب می آید.

بحث

۱- واژه‌شناسی داروخانه

هر علمی دارای موضوعی است و موضوع یا موضوعات پژوهش‌های علمی خود نیازمند واژه‌هایی هستند که معرف آن پژوهش باشند. درباره واژه داروخانه که موضوع این تحقیق است باید گفت که این کلمه، واژه‌ای مرکب است که از دو جزء «دارو» و پسوند مکانی «خانه» تشکیل شده است که در اصطلاح به مکان، خانه یا عمارتی گفته شده است که سازنده دارو در آن محل به ساخت و ترکیب انواع داروها و فروش دارو مشغول بوده است. کلمه دارو واژه‌ای ایرانی و برگرفته از واژه پهلوی داروک Daruk با همین مفهوم امروزی آن است (۴-۳). ابن مقفع (متوفی ۱۴۲ ق.) از نویسندگان و مترجمان ایرانی است که نقش مهمی در ترجمه آثار پهلوی به زبان عربی دارد. او در ترجمه کلیله و دمنه اصطلاح «خزانه الادویه» را برای داروخانه به کار برده است (۵). در دوره عباسی با نفوذ و گسترش فرهنگ ایرانی در دربار خلفا و وزراء، واژه ایرانی «شراب‌خانه» تعریف شده و به صورت «شرابخانه» و کلمه پرکاربردتر «خزانه الشراب» که واژه‌هایی عام بوده و شامل داروخانه نیز می‌شده است، کاربرد وسیعی یافتند. طبری (متوفی ۳۱۰ ق.) واژه «خزانه الشراب» را مکرراً به کار برده است (۶). واژه «خزانه الشراب» که در واقع به معنای محل نگهداری نوشیدنی‌های مختلف خلفا و سلاطین بوده و از آنجایی که اکثر داروها نیز از نوع نوشیدنی و دمنوش بوده‌اند، هم‌زمان و به ویژه در قصرهای خلفا و سلاطین آن عصر به عنوان داروخانه سلطنتی نیز کاربرد داشته است. ابن جوزی (متوفی ۵۹۷ ق.) در کتاب «المنتظم» گزارش داده است که مادر خلیفه مقتدر عباسی بخشی از اموالش را به «خزانه

هدف از انجام این تحقیق علی‌رغم تحقیقات قبلی این است که جایگاه داروسازان و ساختار داروخانه‌های بیمارستانی به عنوان یک بخش مهم از سیستم درمانی مورد بررسی قرار گیرد، چیزی که در تحقیقات امروزی کم‌تر به آن توجه شده است.

اهمیت انتخاب این موضوع در این است که همان‌گونه که قبل از اسلام و در میان سایر ملل به ویژه در نزد ایرانیان یک ساختار منظم از درمانگری و طبابت وجود داشته است، در دوره اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام، مسلمانان نیز توجه به بهداشت و درمان و تلاش در کاهش آلام و نجات جان انسان‌های دردمند را سرلوحه اقدامات بشردوستانه خود قرار دادند. در این میان چون داروخانه‌ها و داروسازان در کنار پزشکان از جمله مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش‌های درمانی بودند که فعالیت آن‌ها مستقیماً به سلامتی و نجات جان انسان‌ها مرتبط می‌شده است، به همین علت بررسی تاریخی نقش، جایگاه و ساختار داروخانه‌های بیمارستانی در تمدن اسلامی حائز اهمیت می‌باشد.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این مقاله از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است، به این شکل که ابتدا منابع و مأخذ تاریخی که در آن‌ها مطالبی درباره داروخانه و داروسازی در دوران مختلف تاریخی وجود داشته و یا حتی اشاره‌ای به این مطلب داشته‌اند، فیش‌برداری شده و سپس به دسته‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها و سپس نگارش مقاله اقدام شده است و در پایان به نتیجه‌گیری متقن و علمی بر پایه داده‌های تاریخی اقدام شده است.

یافته‌ها

داروخانه‌های بیمارستانی در دوره اسلامی دارای سلسله مراتبی بودند، از جمله رییس، خازن، عده‌ای دستیار داروساز و تعدادی فروشنده یا نسخه‌پیچ دارو بودند که زیر نظر مهتار و یا صیدلانی ارشد فعالیت می‌کرده‌اند و نقش مهمی در بهبود بیماران داشته‌اند. داروخانه‌ها دوره اسلامی یکی از بخش‌های

در سایر مناطق جهان اسلام برای داروخانه به کار می‌رفته است، از جمله در قلمرو امپراطوری عثمانی «اجزخانه» (۱۸) و در مقطعی در ایران «صحت خانه» (۱۹) و در برخی مناطق جهان اسلام واژه «بیت الادویه» برای داروخانه نیز به کار می‌رفته است، در وقف نامه‌های ربع رشیدی واژه‌های دارالشفای بیت الادویه هر دو به معنی محل آماده‌سازی غذا و دارو برای بیماران به کار رفته‌اند (۲۱-۲۰).

۲- علم داروشناسی و داروسازان بزرگ در دوره اسلامی

مسائل مورد بحث در علم داروشناسی عبارتند از: شناخت اشکال نباتات از نظر مکانی و زمانی (تابستانی و زمستانی)، بازشناسی انواع نباتات خوب از بد و همچنین شناخت خواص آن‌ها به صورت مرکب است. داروشناسی با علم اعشاب یا نبات (گیاه‌شناسی)، علم معادن (کان‌شناسی)، جانورشناسی و کیمیا ارتباط دارد، زیرا ادویه یا نباتی یا حیوانی و یا معدنی است و در تجویز و معالجه با آن‌ها دانستن چگونگی ترکیبشان با یکدیگر ضرورت دارد. تفاوت صیدلیه با علم النبات یا گیاه‌شناسی در این است که صیدلیه از تشخیص وضعیت نباتات بحث می‌کند و گیاه‌شناسی از خواص گیاهان. همچنین باید گفت که داروشناسی، صیدلیه یا فارماکولوژی (برگرفته از فارماکن یونانی) علم ادویه یا شناخت داروهاست. (۲۳).

پزشکی و داروسازی از همان آغاز با یکدیگر پیوستگی تام داشته‌اند، به نحوی که گاهی تمایز میان آن‌ها غیر ممکن می‌نمود و ایرانیان از قدیم‌الایام در این دو علم از سرآمدان ملل جهان بوده‌اند. از آن روی که استادانی از نقاط مختلف جهان آن روز در بیمارستان و مرکز آموزشی جندی‌شاپور ایران گرد آمده بودند، علم داروسازی در آنجا در سطح بالایی تدریس می‌شده است. ایرانیان در داروسازی از حدود گیاهان طبی تجاوز کرده و به داروهای خود تعداد متناهی دواهای شیمیایی افزودند که سولفانامیدهای^۱ امروزی وارث و جانشین آن‌ها به شمار می‌روند (۲۴).

الشراب» و پزشکان آنجا اختصاص داده بود (۷). مقریزی (متوفی ۸۴۵ ق.) نیز به ساخت «خزانه الشراب» (به معنای خاص داروخانه) در کنار جامع ابن طولون در قرن سوم قمری در فسطاط مصر اشاره نموده است (۸). با توجه به این‌که جامع‌ها غیر از کارکرد دینی کارکرد آموزشی نیز داشته و به عنوان یکی از نهادهای آموزشی تمدن اسلامی بوده‌اند، ساخت «خزانه الشراب» (داروخانه) در کنار جامع احتمالاً علاوه بر فروش دارو برای انجام فعالیت‌های آموزشی - درمانی نیز بوده است. همچنین با توجه به این‌که به داروخانه برخی از بیمارستان‌های مهم سرزمین‌های اسلامی مانند بیمارستان عضدی بغداد و بیمارستان عتیق فسطاط و منصوری قاهره نیز «شرابخانه» اطلاق شده است (۹)، به نظر می‌رسد این واژه در بیمارستان‌ها به معنی داروخانه و در قصر سلاطین و خلفا مفهومی دوگانه داشته و به محل نگهداری هم نوشیدنی شراب و هم به انواع داروهای نوشیدنی (دم‌نوش‌ها) اختصاص داشته است. ابن ندیم (متوفی حدود ۳۸۵ ق.) در کتاب الفهرست و ابن ابی اصیبعه (متوفی ۶۶۸ ق.) در کتاب «عیون الأنباء» به «دکان الصیدلیه» به معنای داروخانه اشاره نموده‌اند (۱۱-۱۰). ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ ق.) در کتاب «الصیدنه فی الطب» کلمه «صیدلانی» را به معنای داروساز و «صیدنه» را به معنای شناخت داروهای ساده و ساخت داروهای مرکب به کار برده است (۱۲).

در دوره اسلامی واژه‌های صیدنه، صیدنانی، عطار، عقاقیری و حشایشی در متن‌های دوره اسلامی، برای بیان معنایی نزدیک به هم در خصوص داروخانه و داروفروشی و عطاری به کار رفته‌اند (۱۳).

در ایران از قرون ششم و هفتم هجری قمری به بعد دو کلمه «شرابخانه» و «داروخانه» از هم تفکیک می‌شوند و داروخانه به معنای دواخانه و شرابخانه عموماً در معنای لغوی خود، یعنی محل تهیه، نگهداری و فروش شراب به کار رفته است (۱۵-۱۴).

همچنین در مناطقی از ایران از جمله خراسان و تبریز - از قرن هفتم قمری به بعد - داروخانه در معنا و به جای کلمه بیمارستان کاربرد داشته است (۱۷-۱۶). نام‌های دیگری نیز

1. Sulfanamides

در دوره اسلامی و از عصر اموی برخی از پزشکان بیمارستان جندی شاپور، از خادمان و مجاوران دربار اموی شدند و با توجه به تجربیاتی که در بیمارستان جندی شاپور کسب کرده بودند، نقش مهمی در اداره بیمارستان دمشق که نخستین بیمارستان اسلامی بوده، ایفا نمودند، از جمله می توان از ماسرجویه که از پزشکان یهودی جندی شاپور و پزشک عمر بن عبدالعزیز اموی بود، نام برد (۳۱).

اهتمام به بیمارستان سازی و گسترش علوم پزشکی و داروسازی در دوره خلافت عباسیان نیز با سرعت و پیوستگی بیشتری دنبال شد، ساخت و استفاده از دارو در عصر عباسیان نیز پیشرفت بسیار کرد و درباره ترکیب داروها رسالات متعددی در این دوره نوشته شد، کتب و رسالاتی که در آن دوران درباره ترکیب داروها نوشته می شد را «اقرابادین» که برگرفته از واژه یونانی «Craphidion» به معنی رساله مختصر است، می گفته اند. لازم به ذکر است که اعراب برای درمان، از داروهای بسیط نظیر گیاهان و مواد حیوانی یا معدنی استفاده می کردند، در حالی که داروسازان تحصیل کرده ایرانی در مرکز آموزشی - درمانی جندی شاپور داروهای مرکب می ساختند و چون بیشتر داروها مایع بود، بخش داروسازی در بیمارستان های دوره اسلامی را «شرابخانه» که واژه ای فارسی به معنای جای نگهداری مایعات و انواع نوشیدنی ها است، می گفته اند (۲۵).

از جمله نخستین داروسازان، داروشناسان و مؤلفان بزرگ دانش داروسازی در دوره اسلامی، شاپور بن سهل بود که کتابی به نام «اقرابادین فی البیمارستانات» را تألیف کرد (۲۶) و پزشکی یهودی اقرابادین شاپور بن سهل را به لاتین ترجمه کرد و این اثر برای قرن ها مرجع پزشکان اروپایی گردید (۲۵). پس از او حنین بن اسحاق کتاب «اعشاب» (گیاهان) را ترجمه کرد، ابن ربن طبری کتاب «فردوس الحکمه» را نوشت و درباره کاربرد داروها سخن گفته است. کندی فیلسوف نیز کتاب هایی درباره خوراک و داروهای مهلک، ادویه شفا بخش و سموم نوشت و محمد بن زکریای رازی کتاب بسیار مهم و با ارزش الحاوی را نوشت. رازی پس از آنکه جیوه را بر روی میمون ها آزمایش کرد، آن را به عنوان مسهل برای بیماران تجویز نمود (۲۴). همچنین ابن تلمیذ و ماسویه المارندی نیز

هر کدام در شناخت خواص ادویه مرکبه و دستورالعمل های تهیه و تجویز دارو اقرابادین هایی به نگارش درآوردند (۲۵).

علی بن عباس مجوسی اهوازی که سومین شخصیت بزرگ پزشکی ایران و جهان اسلام است، تأثیر دارو بر جسم انسان را تشریح کرده است و درباره هر کدام از داروها بسته به اهمیت کاربرد آن دارو و این که طبیعت سرد یا گرم دارد، صحبت کرده است (۲۷). خدمات ابن سینا نیز در علم داروشناسی نیز بر همگان روشن است. ابن سینا نه تنها از ادویه ای که در نزد عامه مردم متداول بود، نام می برد، بلکه از داروهای سخن می راند که از طریق شیمیایی به دست می آید، او ضمن وصف هر دارویی شیوه تهیه و استعمال آن را نیز می نویسد. ابن سینا از خواص گندزدایی الککل نیز مطلع بوده است (۲۸). عطار نیشابوری داروساز و داروفروش حاذق ایرانی است که ضمن ساخت و فروش دارو به معاینه و درمان بیماران می پرداخت، او خود می گوید: «به داروخانه پانصد شخص بودند که هر روز نبض می نمودند» در اینجا مراد از داروخانه همان درمانگاه عمومی است (۱۶). در این خصوص قزوینی در مقدمه تذکره الاولیا آورده است که «شیخ عطار به فن طب مشغول بوده و داروخانه بسیار معتبری که ظاهراً مطب نیز بوده است، داشته و گاه تا پانصد مریض در داروخانه او حاضر می شده اند و شیخ به معالجه آنان می پرداخته و ظاهراً علت لقب او به عطار هم همین بوده است، یعنی به علت این که دواخانه بزرگ داشته و دوا می ساخته است و معالجه امراض می نموده است. گویا در آن عصر - مانند حال در ایران - عطار به کسی می گفتند که همه اشکال داروها را بفروشد یا بسازد. شغل داروفروشی در سابق مانند حالیه در اروپا تا درجه ای با طب همراه بوده است و اغلب دواسازان معتبر طب می دانسته و به معالجه امراض می پرداخته اند...» (۲۹). ابن وافد اندلسی یکی دیگر از اطباء داروشناسان و گیاه شناسان بزرگ مسلمان قرن پنجم قمری است که در اندلس یا غرب اسلامی می زیسته است. او بیماران را با اغذیه مداوا می نمود و کمتر از ادویه استفاده می کرده است. او هرگاه بر حسب ضرورت معالجه بیماران را با دارو تشخیص می داد، با ادویه بسیط بیماران را مداوا می کرد و چنانچه مجبور به ترکیب ادویه می شد، ترکیبات دارویی را زیاد

یکی از بیمارستان‌های بزرگ و مجهز دوره اسلامی بیمارستان منصوری قاهره - منسوب به سلطان منصور قلاوون (متوفی ۶۸۹ ق.) - است (۳۵). مقریزی در وصف این بیمارستان ضمن تأکید بر وجود همه مایحتاج بیماران در بیمارستان، از وجود دو مکان مستقل در آنجا یاد می‌کند که یکی برای تهیه «ادویه و اشربه» و دیگری برای ترکیب «معاجین و اکحال و شیافات و امثال آن» بوده است (۸، ۳۶).

داروخانه مجموعه ربع رشیدی در تبریز به عنوان بخشی از بیمارستان ربع رشیدی، از نمونه‌های عالی داروخانه و داروفروشی در جهان اسلام در دوره قرون وسطی اسلامی بوده است که در دوره حکومت ایلخانان مغول در تبریز و توسط وزیر ایرانی آن‌ها خواجه رشیدالدین فضل‌الله در محله ربع رشیدی ساخته شده بود. در وقف‌نامه ربع رشیدی از داروخانه به عنوان بخشی مستقل از «رواق المرتبین» (بیمارستان) آنجا یاد شده است، با این حال به نظر می‌رسد که دو واژه دارالشفای و داروخانه (شاید به جهت اهمیت داروخانه در این مجموعه) به جای هم به کار رفته باشند (۱۷). بیشتر گزارش‌هایی که از این بیمارستان باقی مانده، از طریق وقف‌نامه آن است که در آن از این بیمارستان با عناوین «دارالشفای»، «داروخانه» و «بیت الادویه» یاد شده است (۱۷، ۲۰). در مکاتبات رشیدی چند نامه وجود دارد که بیانگر میزان توجه رشیدالدین فضل‌الله به غنای داروخانه این بیمارستان بوده است، از جمله او از پسران و یا مأموران خود در نقاط مختلف درخواست ارسال داروهای خاصی نموده است، از جمله از فرزندش جلال‌الدین که مأمور در آسیای صغیر بوده خواسته است که پانصد من از داروهای مختلف آنجا برای بیمارستان ربع رشیدی، تهیه و ارسال نماید (۳۷).

تهیه و تدارک داروها و نوشیدنی‌ها در داروخانه ربع رشیدی، در بخشی به نام «رواق المرتبین» محیا می‌گردید (۲۰). در این داروخانه بیمارستانی صفه‌ای برای نگهداری داروها ایجاد کرده بودند که بر دهانه‌اش حفاظ مشبکی قرار داشت (۱۷). در این داروخانه، داروهای مختلف معمولاً در خمره‌هایی در انبار نزدیک دارالشفای برای مصرف چند ساله ذخیره و نگهداری می‌شده است (۳۸). روزهای کاری این

پیچیده نمی‌ساخت. ابن وافد اندلسی همواره بر معالجه از طریق آب درمانی تأکید داشته است (۲۳). ابن وافد آثار ارزشمندی درباره داروشناسی، داروسازی و روش‌های درمانی تألیف نموده است، از جمله کتاب «الادویه المفردة» که مهم‌ترین و مشهورترین اثر او در زمینه داروشناسی و گیاهان دارویی و طب است، کتاب «المغیث» که موضوع آن درباره داروشناسی است، کتاب «مجموع فی الفلاحه»؛ در علم گیاه شناسی و همچنین کتابی درباره خواص درمانی گرمابه و استحمام با آب‌های معدنی به ابن وافد نسبت داده‌اند. این کتاب به زبان لاتین و با عنوان «درباره گرمابه^۱» ترجمه شده است. پزشکان و داروسازان مسلمان هرچند که اصول علمی داروسازی را ابتدا از ملل همجوار اقتباس نمودند، در ادامه با توجه به گستره قلمرو اسلامی و تنوع گیاهان و کانی‌ها و جانداران متنوع در پهنه جغرافیای عالم اسلامی شیوه‌های نو و جدیدی در درمان بیماران به وجود آورده و علم داروشناسی و پزشکی را به انضمام اصول پزشکی، شرایط درمانگری و اخلاق پزشکی را ارتقا بخشیدند.

۳- ساختار داروخانه‌های بیمارستانی در تمدن اسلامی

در بیشتر بیمارستان‌های عصر اسلامی بخشی به نام داروخانه یا صیدلیه که از اجزای اصلی بیمارستان‌های اسلامی به شمار می‌رفته است، به ساخت، نگهداری و فروش ادویه و اشربه اختصاص داشت (۱۱، ۳۰). بیمارستان جندی‌شاپور نخستین بیمارستان بزرگی بود که داروخانه و بخش مربوط به داروسازی داشته و ماسویه پدر یوحنا داروساز آنجا بوده است (۳۱). بعضی از مورخین درمانگاه شهر تازه تأسیس بغداد در دوره منصور عباسی را نخستین داروخانه عمومی دوره اسلامی دانسته‌اند (۳۲-۳۳).

از دیگر نخستین داروخانه‌های بیمارستانی دوره اسلامی بخش داروخانه بیمارستان مؤیدی شهر واسط در عراق است که در سال ۴۳۱ قمری توسط وزیر مشرف‌الدوله بویه در دوره آل بویه ساخته و این بخش از بیمارستان مؤیدی به ادویه و اشربه بیماران اختصاص یافته بو. (۷، ۳۴).

داروخانه دوشنبه تا پنجشنبه بوده است تا امکان تهیه و توزیع داروهای سفارش شده فراهم شود (۱۷). خازن و شرابدار (داروساز) کار تهیه و توزیع یا نسخه‌پیچی را در این داروخانه بر عهده داشتند، بیماران برای دریافت دارو کنار حفاظ مشبک می‌آمدند و روی صفا می‌نشستند. پزشک نیز کنار حفاظ مشبک می‌نشست و پس از معاینه بیماران نسخه می‌نوشت و به خازن داروخانه تحویل می‌داد، او نیز دارو را آورده و از پشت شبکه به بیماران تحویل می‌داد (۲۰). در مواردی هم خود شرابدار (داروساز) برای تحویل غذا و داروی مورد نیاز بیمار به خانه بیماران می‌رفت. شرابدار (داروساز) بیمارستان ربع رشیدی می‌بایست دارای برخی شرایط بوده باشد، از جمله معتمد باشد و اهل مصرف مشروبات الکلی نباشد. او سالانه چهل دینار پول نقد به همراه چهار من نان به عنوان مزد دریافت می‌کرد که در قیاس با دستمزد پزشک و جراح همان بیمارستان که به ترتیب ۳۳۰ و ۱۰۰ دینار دریافت می‌کردند ناچیز و در حد دستمزد کارکنان خدماتی بوده است (۱۷). قابل ذکر است که یکی از بزرگ‌ترین پزشکان قرن هفتم قمری در ایران دوره اسلامی، مولانا شمس‌الدین محمد تبریزی ساعور (رییس) بیمارستان ربع رشیدی تبریز بوده است که مسئولیت نظارت و سنجش علمی و عملی تمامی پزشکان و داروسازان آن بیمارستان را بر عهده داشته است (۳۹).

برای اداره بهتر امور داروخانه‌های بیمارستانی در بیمارستان‌های بزرگ و معروف دوره اسلامی ساختار تشکیلاتی منظمی وجود داشته است. معمولاً در داروخانه یک رییس، خازن، عده‌ای دستیار داروساز و تعدادی فروشنده یا نسخه‌پیچ دارو بودند که زیر نظر مهتار و یا صیدلانی ارشد فعالیت می‌کرده‌اند. از رییس داروخانه در عصر ممالیک مصر با عنوان «مهتار»^۱ و از دستیارانش با عنوان «شرابدار» یاد

می‌شده است، هرچند که در داروخانه‌های کوچک‌تر شرابدار یا گاهی خازن به عنوان مسؤول و رییس داروخانه بوده است (۲۱، ۴۰). در ایران نیز مانند مصر دوره ممالیک، رییس داروخانه «مهتار» نام داشته است و از حیث مقام و منزلت بعد از پزشک و در مرتبه دوم بوده است (۳۲). ابن ابی‌اصیبه می‌نویسد که در بیمارستان‌های اسلامی بخش داروسازی وجود داشت و داروسازان زیر نظر رییس بخش یا «صیدلانی ارشد» به کار می‌پرداختند (۱۱).

رییس داروخانه در امپراطوری عثمانی «اجزچی» نام داشت (۴۱). عیسی بیک نیز از رییس داروخانه با عنوان «شیخ صیدلی البیمارستان» یاد کرده است (۹)، البته القاب مذکور ضرورتاً به فرد داروساز اطلاق نمی‌شد و در موارد بسیاری به افرادی که به داروفروشی نیز اشتغال داشتند نیز داده می‌شده است (۲۰). در ادوار مختلف اسلامی فروشندگان دارو را «عقاقیری» و «صیدلانی» هم می‌گفته‌اند (۱۱). با توجه به اسناد به جای‌مانده از بیمارستان‌های منصوری قاهره (۳۶-۳۵) و وقف‌نامه ربع رشیدی تبریز فهمیده می‌شود که داروساز نسبت به پزشک جایگاه پایین‌تری داشته است و میزان دستمزد او از پزشک کم‌تر بوده است، البته این مطلب در مورد داروخانه‌های غیر بیمارستانی صدق نمی‌کرده و در داروخانه‌های سطح شهرها داروساز تحت دستور پزشک نبوده است. این مطلب خود مشخص می‌کند که چرا در کتب تراجم از داروسازان شاغل در بیمارستان‌ها در قیاس با داروسازان یا داروفروشان سطح شهرها، خیلی کم‌تر یاد شده است (۲۰).

در ساختار اداری داروخانه‌های دوره اسلامی فرایندی برای نظارت بر عملکرد داروسازان و داروخانه‌ها نیز دیده شده بود. در دوره زنگیان (۶۴۹-۵۲۱ ق.) و ایوبیان (۸۸۰-۵۶۴ ق.) از منصب «العشابین» به عنوان ناظر داروخانه یاد شده و ابن بیطار در همین دوره رییس‌العشابین مصر بود (۴۲). در وقف‌نامه ربع رشیدی از منصب «خازن» به عنوان ناظر داروخانه یاد شده است، او کلیددار داروخانه بود و در قبال پزشک مسؤول بود نه شرابدار داروخانه. ناظر داروخانه در عصر ممالیک (۹۲۳-۶۴۸ ق.) علاوه بر نظارت بر اعمال داروخانه،

۱. کلمه مهتار به معنی بزرگ یا بزرگ‌ترین است که در عربی به صورت «المهتار» درآمده و آن لقبی بوده که به بالاترین مقام در هر رسته از خدمتگزاران دربار داده می‌شده و معمولاً بر سر شغل یا تشکیلاتی که در آن خدمت می‌کرده، درمی‌آمده است، مانند مهتار شراب‌خانه یا مهتار رکاب خانه و مانند این‌ها.

وظیفه داشت تا برای بیمارانی که توانایی مراجعه به داروخانه را نداشتند، دارو ببرد (۲۰، ۴۳).

نتیجه‌گیری

طب اسلامی و ملحقات آن همچون داروسازی، از تجربیات پزشکی یونانی، اسکندرانی، ایرانی و هندی بهره برده است، هرچند که مبادی طب اسلامی و ملحقات آن برگرفته از میراث پزشکی تمدن‌های باستانی بوده، اما ارتباط نزدیکی نیز با آموزه‌های دینی درباره سلامتی داشته است و پزشکان و داروسازان مسلمان نیز در زمینه توسعه علوم پزشکی و شاخه‌های مربوط به آن گام‌های بزرگی برداشته‌اند و به سهم خود در رشد و بالندگی این میراث علمی کوشیده‌اند.

داروخانه‌های بیمارستانی در دوره اسلامی یکی از بخش‌های مهم بیمارستانی بودند و داروسازان در کنار پزشکان نقش مهمی در تهیه و ارائه دارو به بیماران ایفا می‌نمودند، داروخانه‌های بیمارستان منصوری قاهره و داروخانه بیمارستان ربع رشیدی تبریز از بزرگ‌ترین و مجهزترین داروخانه‌های قرون وسطی دوره اسلامی بوده‌اند، با تأسیس نخستین بیمارستان‌های اسلامی و نیاز روز افزون به انواع شربت‌ها، معجون‌ها و سایر داروها، آموزش تهیه و ارائه انواع ادویه مرکب و شناخت مفردات طبی، داروسازان نیز جایگاه دوچندانی یافتند. از جمله نتایج و یافته‌های تحقیق این است که:

پزشکان و داروسازان مسلمان، هرچند که اصول علمی داروسازی را ابتدا از ملل همجوار اقتباس نمودند، در ادامه با توجه به گستره قلمرو اسلامی و تنوع گیاهان و کانی‌ها و جانداران در پهنه جغرافیای عالم اسلامی توانستند شیوه‌های نو و جدیدی در درمان بیماران به وجود آورده و علم داروشناسی و پزشکی را به انضمام اصول پزشکی، شرایط درمانگری و اخلاق پزشکی را ارتقا بخشند.

پزشکان و داروسازان بزرگ مسلمان مثل رازی و بوعلی سینا طریقه استیصال دارو از مواد شیمیایی را می‌دانستند و در امور پزشکی و درمانی به خوبی از این‌گونه داروها استفاده می‌کرده‌اند. در برخی از مناطق و سرزمین‌های اسلامی مثل ایران (خراسان و آذربایجان) داروخانه‌ها خود مطب و درمانگاه

بوده‌اند و هم‌زمان هم کارکرد دیدن و معاینه بیمار و هم کارکرد ساخت و عرضه دارو به بیمار را داشته‌اند، از جمله آن‌ها می‌توان به داروخانه بزرگ عطار نیشابوری و داروخانه بیمارستان ربع رشیدی اشاره نمود.

برای اداره بهتر امور داروخانه‌ها در بیمارستان‌های بزرگ دوره اسلامی ساختار تشکیلاتی منظمی وجود داشته است، از جمله رییس، خازن، عده‌ای دستیار داروساز و تعدادی فروشنده یا نسخه‌پیچ دارو بودند که زیر نظر مهتار و یا صیدلانی ارشد فعالیت می‌کرده‌اند.

در خاتمه باید گفت که در برخی از مناطق و سرزمین‌های اسلامی مثل فسطاط مصر داروخانه‌ها در کنار جامع شهر قرار داشتند که این خود نشان از نقش و کارکرد آموزشی - درمانی داروخانه در دوره اسلامی دارد. بنابراین باید گفت تاریخ داروخانه‌های بیمارستانی در دوره اسلامی ارتباط نزدیکی با تاریخ اجتماعی و درمانی عصر خود داشته و بخش جدا ناپذیری از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می‌گردد.

References

- Lewin.B. Adwiya, Akrahadin. Encyclopaedia of the history of science, technology and medicine in non-western cultures. Edited by Selin H. New York: No Name; 2008. p.5.
- Zarrin Kob AH. The book of Islam. Tehran: Amir Kabir Press; 1376. p.60. [Persian]
- Horn P. Grundriss der neupersischen Etymologie. Strasbourg: No Name; 1893. p.152.
- Moein M. Persian Culture Moein. Tehran: Amir Kabir Press; 1382. Vol.2 p.1482. [Persian]
- Ibn Muqfa A. Kallila -V- Damanh. Beirut: Dar al-Qalam; No Date. p.127. [Arabic]
- Tiberi MIJ. History of Nations and Kings. Research by Ibrahim M. 2nd ed. Beirut: Dar ul-Thras; 1967. Vol.8 p.476; Vol.9 p.281. [Arabic]
- Ibn Jouzi A. Al-Montazam. Research by Ata M, Ata M. Beirut: Dar ul-Kotob al-Elmieh; 1992. Vol.8 p.8; Vol.18 p.215. [Arabic]
- Maghrezai A. Al-Muvaez -v- al-Etebar fi Zakr al-Khatat -v- al-Asar. Research by Al-mansoor K. Beirut: Dar ul-Kotob al-Elmieh; 1998. Vol.2 p.405-406. [Arabic]
- Isa Bik A. History of the Islamic Hospitals. Beirut: Dar al-Raeid al-Arabi; 1981. p.19-21, 27-87. [Arabic]
- Ibn Nadim M. Al-Fihrist. Translated by Tajadd MR. Tehran: Amir Kabi Press; 1366. p.355. [Persian]
- Ibn Abi Usaibi'a ABQ. Uion al-Anba fi Tabaqat al-Atiba. Cairo: Makatbo al-Wahabia; 1299. Vol.1 p.60, 309. [Arabic]
- Bironi A. Al-Seidane fi al-Tib. Corrected and Introduced by Zaryab A. Tehran: Center for University Press; 1370. P.3-11. [Persian]
- Dehkhoda AA. The Dehkhoda Dictionary. 2nd ed. Tehran: Tehran University Press; 1377. [Persian]
- Khorsha ibn Ghobad. The History of ilchi. Attempted by Nasiri MR, Koichi H. Tehran: Association of Cultural Works and Works Press; 1379. p.198, 286. [Persian]
- Ibn Esfandiar. History of Tabarestan. Attempted by Iqbal Ashtiani A. Tehran: Padideh-e East Press; 1366. p.121. [Persian]
- Taj Bakhsh H. History of Hospitals in Iran. Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies Press; 1379. p.64, 88. [Persian]
- Blair S. Architecture and Society in the Ilkhanid Period (Analysis of the Endowment of the Raba Rashidi Letter). Translated by Qayumi M. *Golestan Honar* 1387; 13: 54-66. [Persian]
- Omari IF. Masallak al-Bassar in Mamluk al-Masar. Attempted by Shazli A, Jabouri Y, Muslim M, Salih I, Baroud B, Abbas HA. Abu Dhabi: Al-Mujatamh al-Sa'qafi; 1424. Vol.1 p.65-66. [Arabic]
- Floor W. Hospitals in Safavid and Qajar Iran: An Enquiry into Their Number, Growth and Importance. In *Hospital in Iran and India: 1500-1950*. Leiden: Brill; 2012. p.40.
- Chipman L. The World of Pharmacy and Pharmacists in Mamluk Cairo. Leiden & Boston: Brill; 2010. p.129, 138, 140-143.
- Rashid Uddin F. Waqf Nameh Rābīh Rashidi. Edited by Minavi M, Afshar I. Tehran: Tehran University Press; 1356. p.42, 194. [Persian]
- Etemad al-Saltanah MHK. The History of Montazem Naseri. Attempted by Rezvani ME. Tehran: World Book Press; 1367. Vol.3 p.2350. [Persian]
- Halaby AA. History of Islamic Civilization. 2nd ed. Tehran: Asatir Press; 1365. PP.229,232-236. [Persian]
- Arbury AH (Under the supervision). The Iranian Legacy. Translated by Bireshk A, Pazargad B, Hatami A, Saeedi M, Siddiq I, Moin M. Tehran: Book Publishing & Translated Press; 1336. p.49, 73. [Persian]
- Demarche SH. History of Islamic Culture and Civilization. Qom: Maaref Press; 1389. P.142-143. [Persian]
- Ibn Nadim M. Al-Fihrist. Translated by Tajadd MR. Tehran: Asatir Press; 1381. p.528. [Persian]
- Maki MK. Islamic Civilization in the Abbasid Era. Translated by Sepehr M. Tehran: Samt Press; 1383. p.355. [Persian]
- Vasily NT. A celebration of Ibn Sina. Ibn Sina developed ideas on current Medical knowledge of the Soviet Union. Tehran: The National Heritage Association Press; 1334. [Persian]
- Attar N. Tazkart-e al-Awliya. Editing by Qazvini MMK. Tehran: Central Press; No Date. P.4-5. [Persian]
- Ibn Battutah M. Rahele Ibn Battutah. Beirut: Dar al-Fakr Press; 1407. Vol.1 p.54. [Arabic]
- Ghafati A. Tarikh al-Hikma. Attempted by Daraei B. Tehran: Tehran University Press; 1371. p.442, 448. [Persian]

32. Elgood C. A medical History of Persia and the eastern caliphate. Translated by Forqani B. Tehran: Amir Kabir Press; 1371. p.38, 312, 403. [Persian]
33. Hamarneh S. The Rise of Professional Pharmacy in Islam. *Medical History* 1997; 6(1): 59-66.
34. Ibn Asir E. Al-Kamel fi al-Tarikh. Beirut: Dar al-Sadar Press; 1385 AH. Vol.9 p.329. [Arabic]
35. Dashti R. A Historical Review of the Establishment and Administration of Hospitals and Medical Education Centers in the Islamic Civilization. *Med Hist J* 2018; 10(34): 109-122. [Persian]
36. Ahmed Ragab. The Medieval Islamic Hospital: Medicine, Religion and Charity. New York: Cambridge University Press; 2015. p.76, 89-94.
37. Rashid Uddin F. Savanh al-Afkar. Attempted by Danesh Pajouh MT. Tehran: Tehran University Press; 1358. p.92. [Persian]
38. Omidiani H. Rabae Rashidi, the Great Educational, Scientific and Educational Complex in Tabriz (8th Century AH/ 13th Century AD). Dedication to the Immortal Heritage. *Fall* 1378; 27: 27-65. [Persian]
39. Nakhjavani M. Dastor al-Katab. Edited by Alizadeh A. Moscow :Moscow Press; 1976. p.235-236. [Persian]
40. Gholgshandi A. Sobh al-Ahsha. Attempted by Shams al-Din MH. Beirut: Dar ul-Kotob al-Elmieh Press; No Date. Vol.4 p.9. [Arabic]
41. Ghassemi MS, Al-Qasimi JA, Al-Azim KH. Qamus al-Sanaath al-Shamiyah. Damascus: Dar al-Tallulah Press; 1988. p.36. [Arabic]
42. Zarkeli KD. Al-A'lam Qamus. Beirut: Dar al-Elmieh al-Lallmeleain Press; 1986. Vol.4 p.67. [Arabic]
43. Ibn Jubayr M, Travelogue of Ibn Jubayr, translated by Atabaki P, Mashhad: Astan Quds Razavi Press; 1370.p.84-85. [Persian]